

رسول الله صلى الله عليه وسلم في محي أخذ امار قتي رسول الله صلى الله عليه وسلم  
 و سلم ز قار قانو الذي نفسي بيده لو اذن التوريت وال انجيل ان  
 يتكلموا لوضع وساده فاجرت بما فيها فيصير قاني علي ذلك  
 در ان مجلس مردی بود که ویرا دعلب یانی می گفتند گفت  
 این مرد پس دعوی عوفیض کرد در اینکه ویرا نصیحت سازم پس  
 برخواست و گفت سوالی دارم حضرت امیر فرمود وای بر تو  
 سوالی که میکنی از برای تقصیر و انانای کن من از برای نعمت مردار  
 و دعلب گفت نومر ابرین دشمنی پس پرسید که جعل رأیت  
 رکب یا علی قال کانت لا عهد رباً له آره قال کیف رأیت قال لم  
 تزده العيون يشاهد العيان ولكن بآية القلوب يخافون الا ان  
 ربی وحده لا شریک له احد لانانی نه فرد لا مثل له لا یؤید مکان لا  
 یذو له زمان لا یدرک بالواسم ولا یفاسس بالیناس چون دعلب  
 این سخنان را شنید صیحه زد و سهواست عیفا چون بانود گفت  
 با خدا ای عهد کردم که سوال نکنم از هیچکس بر سبب نعمت و ایمان  
 حضرت امیر فرمود و اگر بدست تو باشد و امام است متعزیری رحمة الله

در کتاب لایل البنوه آورده است که ملک روم در وقت خلافت  
 امیر المومنین عمر رضی الله عنه سوالات مشکلی نوشت و فضل  
 در ان کتاب مذکور است و از ابامیر المومنین عمر رضی الله  
 عنه و بنام امیر المومنین عمر رضی الله عنه از ابانود برداشت  
 و پیش امیر المومنین علی رضی الله عنه آورد چون امیر المومنین علی رضی  
 الله عنه او را بخواند و او را نوشت که طلبید و جواب از این نوشت  
 و در جمیع در رسول فیض و او رسول فیض برسد که این جواب  
 نویسنده گیت امیر المومنین عمر رضی الله عنه گفت این ابن  
 عم رسول خداست صلی الله علیه و سلم و انما و می و دوست  
 و می و ولادت و می بکم بوده است بعد از عام قبل هجرت سال  
 بعضی گفته اند ولادت و می در خانه کعبه بوده است و در وقت  
 بعثت رسول صلی الله علیه و سلم با نوزده سال بوده است بعضی گفته اند  
 سیزده ساله و بعضی ده ساله و بعضی نه ساله و بعضی هفت ساله  
 گفته اند اول صحیح است و این جوزی در کتاب صفه الصفا آورده  
 که در سن بی هفتاد و دو ساله است و سن هفتاد و دو ساله است

در کتاب دلائل